

## **Development discourses with emphasis on economics and culture in post-revolutionary Iran**

### **Abstract**

The present study tries to investigate the relationship between culture and economics in development discourses after the Islamic Revolution of Iran. Revolution development discourse as a standard discourse and by analyzing the relationship between this discourse between culture and economy, post-revolutionary development discourses have been analyzed as a practical aspect of revolutionary discourse. The method of the present study is discourse analysis based on constructivism and with combined approaches of Laclau, Mouffe and Fairclough. Findings show; The development discourse of the revolution was formed with the semantic system of development in the construction discourse based on the central signifier of moderation and economy-oriented development. The reform discourse with the central signifier of cultural development and tolerance emphasizes cultural development, and in the fundamentalist discourse, the semantic system is formed based on the central signifier of justice and the Islamization of science. The discourse of justice-oriented development, with the central signifier of development in the context of a resistance economy, defined economic development as its priority. As a result, the post-revolutionary development discourses, which all claimed to act on the ideals and goals of the revolutionary development discourse, each sought to form a distinct meaning from the meanings promoted by other rivals and to establish a different relationship between culture and economics; Therefore, the meaning of development and the relationship between culture and economy after the Islamic Revolution was never established, and this leaves the way for constant conflicts over the relationship between economy and culture in development discourses.

### **Keywords:**

Discourse analysis, constructive development discourse, reform development discourse, principled development discourse, moderate development discourse.

## گفتمان‌های توسعه با تأکید بر اقتصاد و فرهنگ در ایران پسا انقلابی

رهام رضائیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

محمدباقر تاج‌الدین<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

سعید معدنی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر کوشش می‌کند نسبت فرهنگ و اقتصاد را در گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران مورد واکاوی قرار دهد. گفتمان توسعه انقلاب به عنوان گفتمان معیار و با تحلیل نسبت این گفتمان میان فرهنگ و اقتصاد، گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب را وجه عملی گفتمان انقلاب مورد تحلیل قرار داده است. روش پژوهش حاضر تحلیل گفتمان و مبتنی بر برساخت‌گرایی و با رویکردهای ترکیبی لاکلا و موفه و فرکلاف است. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ گفتمان توسعه انقلاب با نظام معنایی توسعه در گفتمان سازندگی بر اساس دال مرکزی تعدیل و توسعه اقتصاد محور شکل گرفت. گفتمان اصلاحات با دال مرکزی توسعه و تساهل فرهنگی، توسعه فرهنگی را مورد تأکید قرار داده و در گفتمان اصول‌گرا نیز نظام معنایی براساس دال مرکزی عدالت گستری و اسلامی‌سازی علم شکل گرفته است. گفتمان توسعه عدالت محور با دال مرکزی توسعه در شرایط اقتصاد مقاومتی، توسعه اقتصادی را به عنوان اولویت خود تعریف کرد. نتیجه این‌که، گفتمان‌های توسعه بعد از انقلاب که همگی داعیه عمل به آرمان‌ها و اهداف گفتمان توسعه انقلاب را داشتند، هریک سعی کردند یک معنای متمایز از معانی ترویج شده توسط سایر رقیبان شکل دهند و نسبت متفاوتی میان فرهنگ و اقتصاد برقرار نمایند؛ بنابراین معنای توسعه و نسبت فرهنگ و اقتصاد پس از انقلاب اسلامی هیچ‌گاه تثبیت نشد و این امر، راه را برای کشمکش‌های همیشگی بر سر نسبت اقتصاد و فرهنگ در گفتمان‌های توسعه باز می‌گذارد.

### واژگان کلیدی:

تحلیل گفتمان، گفتمان توسعه سازندگی، گفتمان توسعه اصلاحات، گفتمان توسعه اصول‌گرا، گفتمان توسعه اعتدال‌گرا.

<sup>۱</sup> گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup> گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، Mb\_tajeddin@yahoo.com

<sup>۳</sup> گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نخستین اندیشه‌های توسعه با پایان جنگ جهانی دوم شکل گرفت آن‌گاه که کشورهای اروپایی تضعیف شده و ایالات متحده آمریکا به عنوان یک ابر قدرت ظهور کرد و با طرح مارشال اقدام به بازسازی اروپای جنگ‌زده نمود. از سوی دیگر با استقلال مستعمرات به عنوان کشورهای جدید جهان سوم که نیازمند الگوی رشد و توسعه اقتصادی بودند، اندیشمندان علوم اجتماعی در آمریکا مطالعه کشورهای جهان سوم را در اولویت قرار دادند تا بتوانند برنامه‌ای برای دستیابی آن‌ها به توسعه فراهم نمایند. توسعه به عنوان یک مفهوم فراگیر بر پیشرفت متکی بوده و با هدف بالا بردن معیارهای زندگی تمامی افراد جامعه مطرح گردید. واقعیت این است که فهم و تحلیل توسعه مستلزم تأمل در هویت‌های گفتمانی است چرا که از منظر تحلیل گفتمان، دال توسعه در بستر گفتمان‌های مختلف مدلول‌های گوناگونی دارد. مفصل بندی و دال مرکزی و دال‌های شناور هر گفتمان درباره توسعه و پیشرفت پیش نیاز تحلیل نسبت فرهنگ و اقتصاد در هر گفتمان می‌باشد. مطالعات و تحقیقات در حوزه توسعه در مجموع به دنبال برقراری نسبت و تعادل میان توسعه با فرهنگ و اقتصاد بوده و برنامه توسعه‌ای را مطلوب قلمداد کرده‌اند که ضمن دستیابی به رشد اقتصادی، متناسب و هماهنگ با فرهنگ جامعه مزبور نیز باشد.

مراد از «نسبت»، توازنی است که گفتمان توسعه میان دال فرهنگ و دال اقتصاد برقرار می‌نماید. دو گفتمان عمده نوسازی و بازنگری هر یک با ترسیم مرزهای متفاوت میان عناصر فرهنگی و اقتصادی، الگوی خاصی برای دستیابی به توسعه ترسیم نموده‌اند که مبنای سیاست‌گذاری‌های توسعه محور قرار گرفته‌اند. در گفتمان بازنگری توسعه مستلزم لحاظ کردن و توجه به زمینه فرهنگی - اجتماعی است که توسعه در آن رخ می‌دهد و هدف آن برآوردن نیازهای واقعی افراد جامعه است. براساس این رهیافت "راه حل جهان شمول و الگوی واحدی برای تحقق توسعه وجود ندارد بلکه سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه منحصر به هر کشور است" (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۲). ضمن این که با محرز شدن نقش فرهنگ در فرایند توسعه و تلاش اندیشمندان جوامع مختلف برای طراحی الگویی متناسب با فرهنگ جامعه خود، از سوی دیگر، پیاده کردن سیاست‌های توسعه‌ای مغایر با اصول فرهنگی و ارزشی جامعه از عوامل مهم مخل دستیابی به توسعه محسوب گردید (میسرا، ۱۳۶۴: ۱۳). به این ترتیب در باب تحول مفهوم توسعه و معنای توسعه در هر گفتمان می‌باید هویت هر گفتمانی که داعیه توسعه دارد، مورد بررسی قرار گیرد تا مفصل بندی و دال مرکزی و دال‌های شناور هر گفتمان درباره توسعه و پیشرفت مشخص شود. تحلیل گفتمان نشان می‌دهد، در هر گفتمان، چه مفاهیمی از توسعه معتبر و جدی و چه مفاهیمی نامعتبر و غیرجدی قلمداد می‌شود. از منظر تحلیل گفتمان، همانگونه که زبان تنها و واحد وجود ندارد، توسعه تنها و واحد هم وجود ندارد. این امر پیش نیاز تحلیل نسبت فرهنگ و اقتصاد در هر گفتمان می‌باشد.

گفتمان‌های توسعه در ایران نمونه روشنی از رابطه بین مقولات توسعه، فرهنگ و اقتصاد را به تصویر می‌کشد. گفتمان توسعه پهلوی با الگو گرفتن از گفتمان توسعه نوسازی، مدرنیزاسیون اقتصادی و فنی کشور را هدف خود قرار داد و درحالی‌که رویای رسیدن به تمدن بزرگ را در سر می‌پروراند، با تکیه بر اقتصاد نفتی توانست درآمد سرانه کشور را به طور چشمگیری نسبت به سال‌ها و دهه‌های گذشته افزایش دهد و با تلاش در جهت صنعتی شدن، کشور در مسیر توسعه‌ای که حکومت طراحی کرده بود، شتابان پیش می‌رفت. به طوری که در اوایل دهه

۵۰ تغییراتی در ساختار اقتصادی کشور رخ داد و رشد ۱۱/۳ درصد بخش صنعت، ۷/۴ درصد بخش خدمات و ۳/۶ درصد بخش کشاورزی ایجاد شد (تجلی، ۱۳۸۱).

وقوع انقلاب ۱۳۵۷ که به عنوان یک تغییر اجتماعی مهم در تاریخ معاصر ایران موجب تحول و تغییر در عرصه‌های گوناگون گردید، گفتمان‌های توسعه را نیز از این فائده مستثنی ندانست. در چنین شرایطی رویکرد انتقادی نسبت به گفتمان توسعه پهلوی شکل گرفت که این گفتمان را صرفاً معطوف به توسعه اقتصادی می‌دانست. یکی از گفتمان‌هایی که از دل نقد گفتمان توسعه پهلوی بیرون آمد گفتمان توسعه انقلاب بود که با استقرار نظام جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب در ایران حاکم شد.

توسعه انقلاب که در تقابل با گفتمان پهلوی، با وارد کردن دال ناپایدار فرهنگ مفصل بندی شد، پس از پیروزی انقلاب توانست قدرت سیاسی را به دست گرفته و عناصر گفتمانی توسعه را معنا بخشد. این گفتمان در وجه‌های هدف خود را به سعادت رساندن بشر عنوان و توسعه را دارای اهداف چندگانه دانسته که در عین توجه به پیشرفت اقتصادی، مبتنی بر فرهنگ جامعه بوده و هدف نهایی آن دستیابی به معنویت است (عزتی، ۱۳۷۵: ۱۶). آن چه که به عنوان مسأله اصلی در پژوهش پیش رو مورد توجه قرار گرفته این نکته است که فرهنگ در گفتمان انقلاب به شکل دال تهی ابراز شده و مشخص نشده بعد از پیروزی این بایدها و دال‌های کلی با کدام مدل ارتباط برقرار خواهد کرد و از طریق چه مکانیسم‌هایی محقق خواهد شد. از منظر گفتمان انقلاب راه دستیابی به اهداف توسعه، تکیه بر فرهنگ مستقل یک کشور است. در صورتی که از صور مختلف فرهنگ در ایران توجه به فرهنگ اسلامی در این گفتمان برجسته شد. به این ترتیب ابعاد فرهنگی و اقتصادی توسعه انقلاب صورت‌بندی گردید و گفتمان‌های توسعه شکل گرفت که تلاش کرده‌اند تعادلی میان ابعاد اقتصادی و فرهنگی توسعه برقرار نمایند. این در حالی است که یکی از محورهای انقلاب ۱۳۵۷ نقد گفتمان توسعه پهلوی که با پیروزی انقلاب این مفهوم دچار تحول شد.

در رویارویی سیاسی گفتمان‌های پس از انقلاب، دو نکته حائز اهمیت وجود داشت. از یک سو این گفتمان‌ها بر آن بودند که نسبت خود را با گفتمان انقلاب به عنوان گفتمان معیار حفظ نمایند و از سوی دیگر نسبت فرهنگ و اقتصاد در گفتمان معیار را مدنظر قرار دهند. بنابراین گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب دارای الگویی بودند که قائل به وجود عنصر فرهنگ در گفتمان توسعه به معنای فرهنگ دینی بود و همچنین توسعه فرهنگی را نسبت به توسعه اقتصادی در اولویت قرار می‌داد. براین اساس مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که مبتنی بر گفتمان‌های توسعه در ایران پسا انقلابی چه نسبتی میان فرهنگ و اقتصاد می‌توان برقرار نمود و این که گفتمان‌های مورد نظر تا کجا و چگونه توانستند در جهات ایجاد چنین نسبتی حرکت کنند.

## ۲- پیشینه پژوهش

واکاوی مطالعات پیشین این نکته را بیان می‌کند که در مطالعات خارجی غالباً فرهنگ به عنوان نقطه مرکزی توسعه بسیار مورد توجه بوده است. فوکویاما<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در مقاله «فرهنگ و توسعه اقتصادی؛ نگرانی‌های فرهنگی»

به بحث درباره جایگاه فرهنگ در توسعه پرداخته که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، مسائل ساختاری در فرایند توسعه از اولویت برخوردار نبودند. این مقاله دیدگاه‌های مربوط به نقش فرهنگ در توسعه را به دو دسته تقسیم کرده است و درحالی‌که برخی نقش عوامل فرهنگی در توسعه را به عنوان یک متغیر کوچک و قابل اندازه‌گیری برآورد می‌کنند، گروهی دیگر در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ عملکرد اقتصادی مناطق متمایز فرهنگی مانند آسیای شرقی و کشورهای کمونیست سابق را معطوف به احیای عوامل فرهنگی این کشورها نموده‌اند. این مقاله در نهایت نتیجه می‌گیرد که عوامل فرهنگی به نوعی سرمایه اجتماعی هستند که همکاری اجتماعی را در جوامع ارتقا می‌بخشد و به میزان دیگر انواع سرمایه، ارزشمند می‌باشد. مارانا (۲۰۱۰) نیز در یک مطالعه به تحولات و چشم‌اندازهای رابطه توسعه و فرهنگ پرداخته است و با بیان این نکته که این دو مفهوم همواره در یک زمینه مدنظر قرار نگرفته‌اند، معتقد است در سال‌های اخیر ابزارها و ایده‌های جدیدی پیرامون تمرکز و توجه همزمان به دو مفهوم مطرح شده است و درک جهانی یکپارچه‌ای حول اهمیت جنبه‌های مختلف فرهنگ در جریان توسعه شکل گرفته است. به این ترتیب امروزه بر مبنای نقش فرهنگ در فرایند توسعه، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات مختلفی از سوی سازمان‌های گوناگون در حال انجام است. آلبرت<sup>۱</sup> و ترامسدورف<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) به تبیین رابطه بین توسعه و فرهنگ پرداخته‌اند و موفقیت برنامه‌های توسعه در کشورهای توسعه‌یافته را که اغلب کشورهای غربی هستند، مرهون هماهنگی فرایند توسعه با مولفه‌های فرهنگی این کشورها می‌دانند. محمدی (۱۳۸۳) در مطالعه خود با فرض وجود رابطه دیالکتیکی بین فرهنگ و ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه، همگام بودن این عناصر را عامل توسعه قلمداد می‌کند. وی غفلت از بعد فرهنگی و توسعه بدون پشتوانه فرهنگ را مهم‌ترین عامل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم از منظر اندیشمندان این کشورها عنوان کرده است. تحقیق محمدی حامل این نتیجه است که برای صورت عینی یافتن توسعه، باید برخی عناصر یک مجموعه فرهنگی نقش محوری پیدا کرده تا بتوانند با تغییرات محیطی همگام شوند. نخبگان و متفکران جامعه وظیفه بازتولید عناصر عقلانی و مساعد فرهنگ را به عهده دارند که پیش نیاز توسعه فراگیر می‌باشد. همچنین این تحقیق با پیش نیاز تلقی کردن فرهنگ برای توسعه، توسعه را فرایندی از رشد اقتصادی دانسته که فرهنگ وسیله‌ای برای دستیابی به این هدف عنوان می‌باشد و می‌توان عناصر فرهنگی که مانع توسعه هستند را از یک مجموعه حذف کرد. صالح‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) در یک مطالعه به نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. آنها با بیان نقش موثر فرهنگ در فرایند توسعه هر کشور، توسعه معطوف به فرهنگ را عامل دستیابی به توسعه همه جانبه معرفی می‌کنند. این مقاله که یک مطالعه کتابخانه‌ای است، با تشریح نوع تعامل مثبت در قالب ارتباطی دیالکتیکی میان فرهنگ و عناصر دیگر جامعه همچون اقتصاد، سیاست و ...، این نتیجه را ابراز می‌کند که برنامه‌ریزی باید با توجه به شرایط حاکم در جامعه انجام شود و برنامه‌های توسعه تا زمانی که مختصات بومی آن جامعه را نیز مدنظر قرار نداده باشند، مثرتر نخواهند بود. نوذری و کریمی (۱۳۹۱) در پژوهشی از منظر تحلیل گفتمان به بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب ۱۳۵۷ پرداخته‌اند و جریان کشمکش بر سر تثبیت معنای توسعه را تحلیل نموده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی هریک سعی کردند یک فضای متفاوت از وضعیت موجود و یک معنای متمایز از سایر معانی ترویج شده توسط

<sup>۱</sup>Maidar Marana  
<sup>۲</sup>Isabelle Albert  
<sup>۳</sup>Gisela Trommsdorff

سایر رقیبان شکل دهند. بنابراین معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی هیچ گاه تثبیت نشد و این امر، راه را برای کشمکش های همیشگی بر سر معنا و مفهوم توسعه باز می گذارد. در پژوهش دیگری راغفر و اردکانی (۱۳۹۳) تلاش کرده اند با رویکرد میان رشته ای و تلفیق روش شناسی نهادگرا، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، درکی از علل ناکامی و کامیابی ایران در مسیر توسعه فراهم کنند. آنها براساس اینکه ایران پیش از سال ۱۳۵۷ با تکیه بر درآمد نفتی حرکت پرشتابی در مسیر توسعه داشته است، وقوع انقلاب را بیانگر بی توجهی به زمینه های فرهنگی بستر ساز توسعه و مغایرت سیاست های توسعه با اصول فرهنگی و ارزشی جامعه قلمداد می کنند. علوی و رنج پور (۱۳۹۳) در مطالعه خود «گفتمانی بدیل برای توسعه: رویکرد انسان شناختی به مفهوم توسعه» برچسب های توسعه یافته و توسعه نیافته برحسب معیارهای اقتصادی را مردود می دانند. آنها با بهره گیری از رویکرد توصیفی- تحلیلی و رهیافت گفتمانی، گفتمان توسعه برحسب معیارها و شاخص های اقتصادی را مورد انتقاد قرار داده و گفتمان جدید توسعه که استقلال، فرهنگ و دانش محلی را در فرایند توسعه به رسمیت می شناسد، به عنوان گفتمان بدیل معرفی می کند. آنها ضمن اینکه جنبش های محلی و پلورالیستی را در جهت تقویت گفتمان بدیل خود پیشنهاد می کنند، گفتمان انقلاب اسلامی ایران را همچون رویکرد انسان شناختی خود به توسعه به دلیل ساختار شکنی و بازخوانی الگوی توسعه مدرن، به عنوان یک گفتمان بدیل معرفی می نمایند. بایزیدی و حسین پناهی (۱۳۹۸) در مقاله « فرهنگ و توسعه: شاخص های فرهنگی توسعه پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران» این نکته را بیان می کنند که فرهنگ نیز یکی از شاخص های متعددی است که در دستیابی به توسعه نقش دارد اما رویکرد این مقاله به فرهنگ تنها تدوین برنامه با توجه به فرهنگ هر جامعه نیست بلکه معتقد است بعضی عناصر فرهنگی ممکن است در تضاد با توسعه باشند. این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی شاخص های توسعه پذیر و در ضد توسعه در فرهنگ های ژاپنی، بریتانیایی و ایرانی مورد مطالعه قرار داده اند و در نهایت شش شاخص عمده فرهنگی شامل فاصله قدرت، ابهام گریزی یا احتیاط، فردگرایی و جمع گرایی، زن سالاری و مردسالاری، جهت گیری بلند مدت یا کوتاه مدت و میزان جامعه پذیری یا انطباق را در این جوامع مورد مقایسه قرار داده اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که فرهنگ ایرانی دارای شاخص های ضد توسعه بیشتری در مقایسه با فرهنگ های ژاپنی و بریتانیایی است.

## ۲-۱ نقد و بررسی مطالعات پیشین

نگاهی به مطالعات صورت گرفته توسط پژوهشگران خارجی و داخلی نشان می دهد که عمده این پژوهش ها به غیر از دو مورد با روش هایی غیر از روش کیفی از نوع تحلیل گفتمان به بررسی موضوع پرداخته اند. ضمن این که آن دو موردی هم که با روش تحلیل گفتمان به موضوع توسعه در ایران پرداخته اند مفهوم فرهنگ را در کانون بررسی خود قرار نداده اند و بیش تر کلیت توسعه را واکاوی نموده اند. ضمن این که پژوهشگران دیگر کشورها، برنامه ها و فرایندهای توسعه را به صورت محلی مد نظر قرار داده اند. همچنین سایر مطالعات خارجی و داخلی نسبت فرهنگ و اقتصاد در توسعه را به صورت عام مورد توجه قرار داده اند. برخلاف پژوهش های مورد اشاره پژوهش حاضر ابعاد مختلف توسعه را با مرکزیت موضوع فرهنگ و اقتصاد واکاوی نموده و در عین حال تمامی گفتمان های شکل گرفته از آغاز انقلاب تاکنون را در برنامه پژوهشی خود قرار داده است. در ایران نیز پژوهش

هایی پیرامون نسبت فرهنگ و اقتصاد در گفتمان‌های توسعه صورت گرفته است که در دو دسته جای گرفته است. دسته اول مطالعاتی هستند که به طور عام، نسبت فرهنگ و اقتصاد در فرایند توسعه را تبیین کرده‌اند. دسته دیگر پژوهش‌ها گفتمان‌های توسعه در ایران را با محوریت نسبت فرهنگ و اقتصاد مورد مطالعه قرار داده‌اند. این محققان غالباً برنامه‌های توسعه پس از انقلاب ۵۷ را مدنظر قرار داده که نقطه آغاز تحلیل در تحقیقات پیشین، گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب بوده که به صورت مستقل و مجزا مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. یکی از ضعف‌های تحقیقات پیشین توسعه، غفلت از گفتمان توسعه انقلاب اسلامی بوده که پژوهش حاضر کوشش می‌کند این مساله را به عنوان نقطه آغاز کار خود برگزیند.

### ۳- چشم انداز نظری (لنز نظری)

اگرچه روش‌های کیفی نیازمند مباحث نظری نیست اما برای داشتن نوعی حساسیت نظری اشاره‌ای هرچند کوتاه و گذرا به برخی نظریات مهم در این زمینه می‌شود. در پژوهش‌های کیفی، از نظریات برای شکل دهی به پرسش‌ها، اهداف، ساختار و روند پژوهش استفاده می‌شود. کرسول این کاربرد نظریه را با عنوان لنز یا چشم انداز نظری معرفی می‌کند. «پژوهشگران از لنز نظری یا چشم انداز نظری استفاده می‌کنند که این لنز یک روند کلی جهت دهنده برای مطالعه فراهم می‌آورد. این لنزها به چشم اندازهای مدافعانه تبدیل می‌شوند که انواع سوالات پرسیده شده را شکل می‌دهند و درباره نحوه جمع آوری و تحلیل داده‌ها اطلاعاتی به دست می‌دهند. لنزهای یادشده نشان می‌دهند که پژوهشگر در مطالعه کیفی، چگونه موضع گیری می‌کند و گزارش‌های نوشتاری نهایی چگونه باید نوشته شود» (Creswell, 1998).

توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه یافتگی از قرن بیستم تبدیل به هدفی ارزشمند برای اکثر کشورهای جهان شد و برنامه‌ریزی‌های مختلفی در راستای رسیدن به شاخص‌های آن صورت گرفت. ادبیات مفهومی و نظری توسعه، تاکنون سیر تطوری متفاوتی داشته و در هر بازه زمانی، معنای خاصی از توسعه به عنوان دال مرکزی مبنای توسعه جوامع قرار گرفته است. گفتمان‌های توسعه با نظر به نسبتی که میان فرهنگ و اقتصاد در توسعه متصور هستند، دسته‌بندی می‌شوند. چرا که دستیابی به توسعه از مسیر فرهنگ هر جامعه ممکن می‌باشد و در عین حال اهداف اقتصادی نیز ارزشمند و با اهمیت ارزیابی می‌شوند. بر این اساس، مبنای نظری این تحقیق نسبت فرهنگ و اقتصاد در گفتمان‌های توسعه می‌باشد. مراد از این نسبت، رویکرد هر گفتمان به عناصر فرهنگ و اقتصاد است که هر کدام در گفتمان‌های مختلف به عنوان دال مرکزی معرفی و تثبیت می‌گردد. رویکرد گفتمان‌های توسعه به فرهنگ و اقتصاد، به طور کلی در دو دسته خلاصه می‌شوند که مبتنی بر دو تعریف متفاوت از توسعه می‌باشند.

علاوه بر گفتمان‌های توسعه که بر اساس رویکردشان به عناصر فرهنگ و اقتصاد در پیشینه نظری تحقیق ذکر شدند، پژوهش حاضر با استفاده از تئوری گفتمان و مفاهیم مطرح در آن چارچوب مفهومی خود را طراحی خواهد کرد. در تحلیل گفتمان پیوندی تنگاتنگ میان نظریه و روش وجود دارد. نظریه گفتمان بر این اعتقاد است که جهان اجتماعی محصول گفتمان‌ها است. گفتمان‌ها به لحاظ هستی‌شناسی به این مطلب اشاره دارند که حقایق ثابت بیرونی وجود ندارد و تنها از طریق گفتمان است که این حقایق بازنمایی می‌شوند. در این بازنمایی، زبان حقیقت

را ایجاد می‌کند و تغییر می‌دهد. "نظریهٔ گفتمان به دنبال فهم پدیده‌های اجتماعی به مثابه برساخت اجتماعی می‌باشد. هر پدیدهٔ اجتماعی را می‌توان با استفاده از ابزارهای گفتمانی تحلیل کرد" (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۲). از دیدگاه لاکلا و موفه گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان که ماهیتی بی‌ثبات دارد، انجام می‌شود. زبان، هم در ایجاد واقعیت و هم در بازنمایی آن نقش اساسی دارد. دسترسی به واقعیت، تنها از طریق زبان ممکن است و هیچ واقعیت پیشینی و از قبل تعیین شده‌ای وجود ندارد. تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. از این رو، نزاع گفتمانی به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. گفتمان‌ها بنابر مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و نیز کاستی‌هایی که گفتمان حاکم به آن دچار شده، نظام معنایی خود را بازساخته و آن را به عنوان نظامی کارآمد و توانمند در برون رفت از مشکلات جامعه ارائه می‌دهند. نظریهٔ گفتمانی که توسط لاکلا و موفه گسترش یافته هر عملی که به برقراری رابطه بین عناصر منجر شود، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه این عمل تعدیل شود، مفصل‌بندی می‌نامند. "کلیت ساختاردهی شده که نتیجه مفصل‌بندی است، گفتمان نام دارد" (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵).

گفتمان‌های توسعه با نظر به نسبتی که میان فرهنگ و اقتصاد در توسعه متصور هستند، دسته‌بندی می‌شوند. چرا که دستیابی به توسعه از مسیر فرهنگ هر جامعه ممکن می‌باشد و در عین حال اهداف اقتصادی نیز ارزشمند و با اهمیت ارزیابی می‌شوند. بر این اساس، مبنای نظری این تحقیق نسبت فرهنگ و اقتصاد در گفتمان‌های توسعه می‌باشد. مراد از این نسبت، رویکرد هر گفتمان به عناصر فرهنگ و اقتصاد است که هر کدام در گفتمان‌های مختلف به عنوان دال مرکزی معرفی و تثبیت می‌گردد. رویکرد گفتمان‌های توسعه به فرهنگ و اقتصاد، به طور کلی در دو دسته خلاصه می‌شوند که مبتنی بر دو تعریف متفاوت از توسعه می‌باشند.

### ۳-۱ گفتمان نوسازی

در اواخر دهه ۱۹۵۰ گفتمان مدرنیزاسیون در مطالعات توسعه مسلط گردید. این گفتمان که از لحاظ تئوریک ریشه در نظریه‌های تکامل‌گرا و کارکردگرا داشته، تغییر اجتماعی را یک فرایند تک خطی، رو به پیشرفت و تدریجی می‌داند که جوامع را به طور برگشت ناپذیری از یک مرحله ابتدایی به یک مرحله پیشرفته سوق می‌دهد (سو، ۱۳۹۲: ۴۰). گفتمان نوسازی بر محور تقابل سنت-مدرن بنا شده و توسعه را در مقابل سنت قرار می‌دهد و رابطه آنها را جایگزینی قلمداد می‌کند. فرایند توسعه در این گفتمان با ویژگی‌هایی همچون مرحله‌ای بودن، اروپایی یا آمریکایی شدن، تجانس آفرینی و حرکت رو به پیشرفت و برگشت ناپذیر تعریف می‌شود. به طور کلی مفاهیم کارکرد، ساختار، عقلانیت، تعادل، نظام اجتماعی، نوسازی، رشد و نهادمندی از جمله مفاهیم محوری و پرکاربرد این گفتمان می‌باشند (عنبری، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۳).

این گفتمان بر مفروضات بنیادین تعریف توسعه به مفهوم پیشروی به سوی هدف‌های عمومی معین و مشخص، لزوم از میان برداشتن موانع اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی برای دستیابی به توسعه، به کار گرفتن روندهای روانی و اقتصادی برای عقلانی‌ترین تحرک در منابع ملی از طریق برنامه ریزی و حمایت همه نیروها از سیاست توسعه و طرح یک مبنای عقیدتی برای آن استوار است (دوس سانتوس، ۱۳۵۸: ۴۲-۴۳). عنبری (۱۳۹۷) سه اصل



ضرورت توسعه، تداوم توسعه و یکسانی و همشکلی توسعه را به عنوان اصول اساسی در گفتمان نوسازی دانسته که یکسان دانستن مسیر و عناصر توسعه در همه کشورها و جوامع نه تنها به وحدت و انسجام کارکردی کشورهای مختلف منجر می‌شود، بلکه به صورت ضمنی مبلغ مولفه‌های فرهنگی غرب به عنوان الگو و نقشه راه مسیر توسعه نیز می‌باشد. به همین دلیل این گفتمان توسعه را معادل رشد در نظر می‌گیرد و بر برداشت اقتصادگرا از توسعه متمرکز است و رشد شاخص‌های اقتصادی را معرف توسعه می‌داند. خط پیشرفت در این گفتمان در تعامل با عقل و ایده‌آلیسم، بر اساس تغییر تکنولوژیک و بازده اقتصادی ترسیم می‌گردد (یونسکو، ۱۳۷۶: ۱۱۲). در این برداشت از توسعه، فرهنگ نقش اساسی نداشته و به عنوان یک متغیر واسطه تنها عامل تشویق یا مانع پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شود. به همین جهت اگر عناصری از فرهنگ مانع توسعه تشخیص داده شود، حذف می‌گردد.

با حاکمیت مدل نوسازی در توسعه که گمان می‌نمود رشد اقتصادی، نسخه‌هایی یکسان و جهان‌شمول دارد و مستقل از فرهنگ جوامع قابل اجرا است، اما با گذشت زمان و مشاهده موانعی که در فرهنگ برخی کشورها برای اجرای نسخه‌های مدل توسعه غربی ایجاد گردید، این اندیشه در بین متفکران و مجریان توسعه به وجود آمد که رشد اقتصادی بی‌ارتباط با فرهنگ جوامع نیست. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت تمام صور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، آموزشی و سایر ایدئولوژی‌ها پیرامون مفهوم و ایده توسعه مستقر شده‌اند و جلوه‌های آنها معنای اصلی این اصطلاح نامفهوم را بیان می‌کند (بیرو و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۳۰).

### ۳-۲ گفتمان باز اندیشی

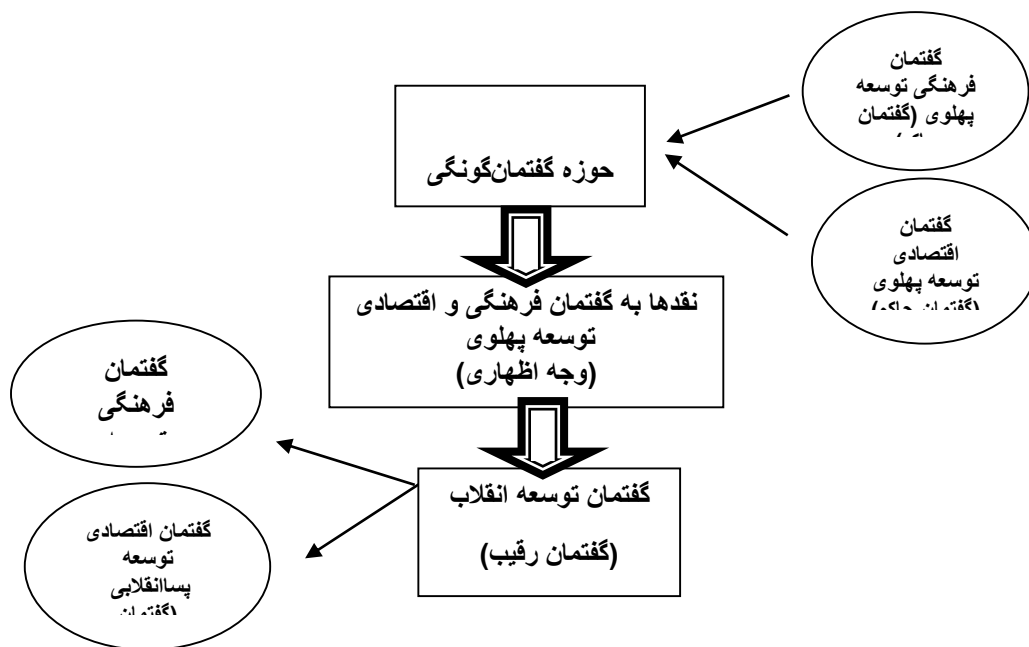
در دهه ۱۹۸۰ گفتمان نوسازی به چالش کشیده شد و گفتمان باز اندیشی با نقد گفتمان مدنی‌اسیون به عنوان یک تئوری آکادمیک با کارواژه‌های پنهان سیاسی و اقتصادی مطرح گردید (احمدی و بیدالله خانی، ۱۳۹۲: ۴۸). یکی از نقدهای گفتمان نوسازی که زمینه شکل‌گیری گفتمان بازاندیشی را فراهم کرد، لزوم فراتر رفتن از شاخص‌های مادی معطوف به رشد اقتصادی بود و تلاش می‌شد جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه نیز به جنبه اقتصادی افزوده شود (عنبری، ۱۳۹۷: ۱۴۱). به عبارت دیگر منطق اقتصاد زده رشد و پیشرفت در گفتمان نوسازی مورد انتقاد قرار گرفت و با انتقاد از مفروضات کمی‌گرا و منطق رشد اقتصادی، از نقش پیش فرض‌های غیر اقتصادی در زندگی انسانی دفاع شد که به بروز رهیافت درون‌زا و فرهنگی توسعه انجامید. در مقابل گفتمان نوسازی که با قائل شدن نقش محوری برای اقتصاد، فرهنگ را وسیله‌ای در خدمت هدف رشد اقتصادی می‌داند، در گفتمان بازنگری فرهنگ نقش محوری داشته و یک متغیر مستقل محسوب می‌شود. چرا که اقتصاد جزئی از فرهنگ مردم است و فرهنگ هر جامعه پایه و اساس اجتماعی هدف‌های توسعه می‌باشد (پوینده، ۱۳۷۶: ۲). مفاهیم جدیدی مانند سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، توسعه انسانی و... که در قالب گفتمان بازنگری مطرح شده، نشان دهنده جهت‌گیری انسان محور این گفتمان می‌باشد.

آمارتیاسن یکی از نظریه پردازانی است که با پیروی از گفتمان باز اندیشی، به نقش فرهنگ در فرایند توسعه پرداخته است. رویکرد توسعه به مثابه آزادی که آمارتیاسن آن را به عنوان یک رویکرد سیستمی مطرح کرد، رویکردی نوین در مباحث توسعه است و با تأکید بر نقش فاعلی انسان به عنوان هدف و ابزار توسعه، می‌تواند پاسخگوی نیاز کشورها به یک رویکرد مناسب توسعه باشد. در این دیدگاه انسان فردی است نقش‌آفرین نه منفعل

و نقش‌پذیر. آمارتیا سن نقش آفرینان را تحت سه عنوان تقسیم بندی می‌کند: نقش انسان، نقش مردم سالاری و نقش ارزش‌ها. ایده اصلی آمارتیا سن بر این اساس است که زندگی انسان صرفاً بر اساس درآمد و ثروت نیست. بلکه آزادی در این میان بسیار اهمیت دارد و زندگی ما باید بر اساس میزان برخورداری ما از آزادی اندازه‌گیری شود. برای او ظرفیت انسانی توسعه بسیار حائز اهمیت است و در بحث توسعه بر قابلیت‌های ذاتی افراد توجه می‌کند او حتی اعتقاد دارد به جای تلاش برای تولید بیشتر به بحث قابلیت‌های انسانی پرداخته شود. او آزادی را یکی از اجزاء ذاتی توسعه می‌داند. آمارتیا سن می‌گوید فرایند توسعه اقتصادی با افزایش آزادی ارتباط مستقیم دارد. آنچه آمارتیا سن در مبحث توسعه به آن می‌پردازد، گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی متعلق به مردم است. آمارتیا سن از دیدگاه انسانی و اخلاقی به مسئله توسعه پایدار پرداخت زیرا اعتقاد دارد توسعه با مسائل و رشد انسانی سروکار دارد. این نکته در مواجهه با مسائلی چون حفاظت از محیط زیست اهمیت تام دارد. وی سه شیوه متمایز و به هم مرتبط تاثیر فرهنگ بر توسعه را مطرح کرده است. نخست فرهنگ دارای «نقش سازنده» می‌باشد. این نقش به معنای این است که توسعه در مفهوم گسترده فرهنگ را نیز در بر می‌گیرد. وی همچنین «نقش ابزاری» برای فرهنگ قائل است که به نقش پارامترهای فرهنگی در رشد اقتصادی و دیگر اهداف اشاره دارد. فرهنگ دارای «نقش ارزیابی» نیز بوده و تعلقات و علاقمندی افراد جامعه در روند توسعه را واکاوی می‌کند (سن، ۱۳۹۶: ۴۶-۵۴).

#### ۴- مدل مفهومی پژوهش

طبق نظر لاکلا و موفه هر گفتمان از یک دال مرکزی و دال‌های پیرامونی شکل گرفته است. دال‌هایی که توسط یک گفتمان به حاشیه رانده می‌شوند، حوزه گفتمان‌گونگی نام می‌گیرد. برای مثال زمانی که گفتمان توسعه پهلوی تعریف خود از توسعه را ارائه کرده و می‌گوید توسعه این است نه آن، مدلولی که برای دال توسعه تعریف کرده را با (این) و مدلولی که به حاشیه رانده را با (آن) ترسیم می‌نماید. گفتمان رقیب همواره از مدلول‌های حاشیه برای به چالش کشیدن رابطه دال و مدلول تثبیت شده (وقته) بهره می‌برد. در مرحله بحران که گفتمان حاکم با چالش مواجه شده، موقعیت سوژگی افزایش می‌یابد و امکان عاملیت را به کارگزاران تغییر اجتماعی می‌دهد که بتوانند براساس سبقه و سابقه خود و پایگاه اجتماعی شان، در ارتباط بین دال و مدلول تثبیت شده (وقته) تردید ایجاد کرده و مدلول دیگری را به عنوان مدلول مرتبط با آن دال مطرح نمایند. برای مثال اگر دال مرکزی یک گفتمان فرهنگی توسعه، فرهنگ به مثابه نظم مادی و غربی (نوسازی غرب محور) باشد، نیروهای اجتماعی براساس لزوم توجه به فرهنگ بومی گفتمان رقیب را ایجاد می‌کنند که اگر در تثبیت رابطه جدید میان دال توسعه و مدلول فرهنگی آن موفق شود، به گفتمان هژمونیک تبدیل می‌گردد. به این ترتیب می‌توان مدل مفهومی تحقیق را ترسیم کرد:



نمودار (۱): مدل مفهومی پژوهش

#### ۵- روش پژوهش

در پژوهش حاضر با به کار گرفتن استراتژی استقرایی، سوالات و مفروضات رویکرد پارادایم نظری این تحقیق مبتنی بر بساخت‌گرایی و با رویکردهای ترکیبی لاکلا و موفه و فرکلاف، پدیده‌ها را با رهیافت کیفی و به شیوه تحلیل گفتمان به بررسی متون می‌پردازد. جامعه آماری؛ از عناصر نمونه‌گیری مکرر انجام شد اندازه نمونه از قبل نامشخص بود و تعیین شد. با این حال منطق نمونه‌گیری اتخاذ شده در پژوهش حاضر از نوع هدفمندپیروی کرده است تاکید متون بر فرهنگ و اقتصاد در عرصه توسعه بوده تعیین شده بودند. روش نمونه‌گیری؛ در این تحقیق از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد که در این روش پژوهشگر برای دستیابی به مقولات عینی که مبین نظریه باشند به انتخاب نمونه‌هایی دست زده است. ابزار گردآوری داده‌ها شیوه گردآوری از نوع مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با چهار معیار اصالت، اعتبار، نمایا بودن و معنا (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۷۸) کیفیت اسناد و روایی با بررسی برنامه‌های توسعه و شاخص‌های آماری، مطالب مرتبط با موضوع تحقیق از طریق فیش‌برداری گردآوری گردید. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها روش ترکیبی لاکلا و موفه و فرکلاف، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به لحاظ روشی مستلزم جستجوی مفصل بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، عناصر، اسم‌سازی، هم‌ارزی، انسداد معنا و میدان گفتمان‌گونگی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، تخصیص، ضدیت و غیریت، ساختارشکنی، قدرت و فراخوان و نمایندگی به مثابه عوامل گفتمانی است تحلیل در سطوح توصیفی، تفسیری که در تحلیل داده‌های تحقیق مورد استفاده محقق قرار می‌گیرد:

۱. تحلیل توصیفی گفتمان: استخراج مفاهیم اساسی و مقوله‌بندی آنها با استفاده از روش تحلیل محتوای

کیفی با رویکرد مرسوم

۲. تحلیل تفسیری گفتمان: درک عناصر گفتمانی مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، عناصر، اسم-

سازی، هم‌ارزی، انسداد معنا و میدان گفتمان‌گونگی

## ۶- یافته‌های پژوهش

با به کار گرفتن روش اسنادی و کتابخانه‌ای، داده‌های مربوط به اسناد، برنامه‌ها و آمار شاخص‌های توسعه با محوریت اقتصاد و فرهنگ جمع‌آوری شد یافته‌ها از ترکیب رویکرد لاکلا و موفه و رویکرد فرکلاف در بخش تحلیلی توصیفی، تحلیلی تفسیری به دست آمده است.

### ۶-۱- سطح تحلیل توصیفی و تفسیری

تحقیق حاضر گفتمان‌های توسعه را ناظر بر دو بعد گفتمان اقتصادی توسعه و گفتمان فرهنگی توسعه مورد مطالعه قرار داده است. گفتمان توسعه انقلاب؛ در شرایط اجتماعی گفتمان توسعه پهلوی با انباشت مطالبات و انفجار فرهنگی به دنبال تحقق عناصر فرهنگی مدرن و گفتمان مدرنیزاسیون را مردود و اهداف اقتصادی توسعه اسلامی را رشد اقتصادی تسلط بر بازارهای جهانی و گسترش صادرات که یکی از بنیان‌های مهم توسعه اقتصادی بالاخص در زمینه کشاورزی دانسته و بین دال توسعه اقتصادی و مدلول «مدرنیزاسیون اقتصادی و فنی» و نوسازی اقتصادی را دال مرکزی (بهنام، ۱۳۹۱: ۶۵) ارتباط ایجاد کرده و از سوی دیگر دال توسعه فرهنگی را با مدلول «اروپایی کردن آداب و رسوم» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۵۲)، عنصر فرهنگ بومی را نیز در هویت گفتمانی، مشروط بر استحکام پایه‌های دین و تقویت مبانی اسلامی و هدایت و تربیت انسان مورد پذیرش و مفصل‌بندی شده است. گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب؛ با تأکید بر سه هدف استقلال، خودکفایی در زمینه کشاورزی، مدرنیزاسیون و گسترش صنعت سیاست‌ها و برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را با عنوان «سیاست‌های توسعه و تکامل جمهوری اسلامی ایران» مطرح کرد و توسعه به عنوان وجه عملی گفتمان انقلاب، با محوریت وقته‌ای که بین دال توسعه و مدلول توسعه اقتصادی و رشد معنویت برقرار کرده و توسعه اقتصادی را تابع توسعه فرهنگی قرار داده بود، آنچه بعد از انقلاب اسلامی، درخصوص توسعه جلب توجه می‌کند، رقابت گفتمان‌های مختلف درون حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در باب معنا و مفهوم توسعه است. که هرکدام در نزاع با دیگری سعی دارند توسعه و واقعیت را به گونه‌ای دیگر تعریف کنند.

**گفتمان سازندگی؛** سیاست‌های این برنامه معطوف به سه محور بازسازی مناطق جنگ زده، تامین رشد و توسعه اقتصادی و سیاست‌های مناسب اقتصادی در جهت رفع عدم تعادل‌ها بود (تجلی، ۱۳۸۱: ۲۰۵) که تعدیل و توسعه اقتصاد محور، دال مرکزی را تشکیل داد و سایر دال‌ها بر محور آن تثبیت شده و معنایی جدید یافتند به دلیل حاکمیت ایده دال توسعه اقتصادی با مدلول از یک سو و روح عملگرایی از سوی دیگر، به ویژه به دلیل حضور اعضای تکنوکرات در آن، نوعی نگرش و گرایش مثبت به الگوی توسعه غربی سرمایه دارانه، خصوصا در ابعاد اقتصادی آن در دولت سازندگی دیده و مفصل‌بندی می‌شود. دال توسعه فرهنگی در این گفتمان با مدلول رشد

فضائل اخلاقی، تقویت ایمان جوانان و گسترش تعلیم و تربیت عمومی معنا می‌یابد. همچنین در این گفتمان اهداف فرهنگی، معطوف به توسعه اقتصادی در نظر گرفته شد و گفتمان سازندگی توسعه اقتصادی را مقدم و مقوم توسعه فرهنگی و ازاین‌رو دارای اولویت زمانی می‌داند. فرهنگ، دال شناور گفتمان سازندگی محسوب می‌شود چرا که در دوره استقرار گفتمان سازندگی، دو جناح فکری متفاوت در سمت وزیر فرهنگ قرار می‌گیرند که خود نشان دهنده رقابت گروه‌های سیاسی برای انتصاب معنای مدنظرشان به دال توسعه فرهنگی است و در دوره‌های مختلف این دال شناور معنای متفاوتی یافته است.

جدول (۱): اهداف و سیاست‌های حوزه اقتصاد و فرهنگ گفتمان سازندگی

- بازسازی و نوسازی خسارت دیده در طول جنگ - رشد و توسعه با افزایش تولید سرانه بخش کشاورزی - تلاش در جهت توسعه صادرات نفتی	حوزه اقتصاد	
- گسترش کمی و ارتقا کیفی فرهنگ تعلیم و تربیت و علوم و فنون - رشد فضائل اخلاقی اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه - هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه ایمان مذهبی، فرهنگ خودی، خلاقیت، علم، هنر و مشارکت	حوزه فرهنگ	اهداف کلان
- توسعه و تنوع در محصولات کشاورزی - بسیج منابع سرمایه‌ای غیردولتی - تعادل در تراز پرداختها و روابط اقتصادی خارجی و تجارت خارجی - آموزش و پیوند تولید و صنعت، حمایت از تحقیقات و ترویج تکنولوژی - حفظ ارزش پول ملی	حوزه اقتصاد	
- با افزایش تعداد دانش آموزان و دانشجویان، افزایش نسبت باسوادان، افزایش کتابخانه‌های عمومی و مجتمع‌های فرهنگی و هنری، گسترش پوشش جغرافیایی صدا و سیما و افزایش تولیدات آن، افزایش ظرفیت اقامتی بخش جهانگردی مورد توجه قرار گرفته است. - کارآمد نمودن برنامه‌های آموزشی و استفاده از تلوزیون به منظور کارآمد کردن آموزش - تقویت نظام فرهنگی از طریق تدوین شاخص‌های رشد فرهنگی با ملاک‌های اسلامی تلاش برای ارتقای سطح فرهنگ عمومی به ویژه نسل جوان به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی	حوزه فرهنگ	سیاست‌ها

**گفتمان اصلاحات؛** برنامه‌های توسعه در گفتمان اصلاحات توسعه سیاسی برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اصلاحات ساختاری و نهادی رهنمودهای حوزه فرهنگی نیز اعتلای معرفت دینی و خدمات فرهنگی و ترویج

فرهنگ اسلامی در جهان را شامل می‌شد. (سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸) با گرایش به خصوصی سازی و کاهش تصدی دولت در فعالیت‌های اقتصادی و آماده سازی اقتصادی، طرح نسبتاً موفق یکسان سازی نرخ ارز و تمهید حساب ذخیره ارزی برای اجتناب از اثر نوسانات درآمد نفت بر اقتصاد، شروع فعالیت بخش خصوصی در بانکداری و بیمه، توسعه بازار سرمایه و آغاز فعالیت بورس‌های کشاورزی و صنایع و بازار بورس استان‌ها، توسعه بی سابقه بخش نفت و گاز به خصوص پتروشیمی و رشد بخش صنعت و کشاورزی مدلول‌هایی هستند که دال توسعه اقتصادی را معنا می‌کنند. در عرصه فرهنگی این گفتمان گسترش و تنوع سریع در مطبوعات، توجه به احزاب و گروه‌های سیاسی و باز شدن فضای فرهنگی را به دنبال داشت. هر چند در این گفتمان، توسعه فرهنگی با مدلول‌هایی همچون اعتلا و تعمیق به معرفت دینی و قرآنی، زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه امام خمینی و جهت دهی ایدئولوژیک محتوای رسانه‌ها، مفصل بندی می‌شود، اما از سوی دیگر با فراهم کردن فضای آزاد در عرصه فرهنگی و حمایت از اصحاب هنر و مطبوعات، دال فرهنگ در گفتمان اصلاحات تا حدودی از مدلول‌های ایدئولوژیک فاصله می‌گیرد توسعه و تساهل فرهنگی در جایگاه دال مرکزی گفتمان اصلاحات قرار می‌گیرد.

جدول (۲): اهداف و سیاست‌های حوزه اقتصاد و فرهنگ گفتمان اصلاحات

<ul style="list-style-type: none"> <li>- توسعه اقتصادی به سمت عدالت اجتماعی</li> <li>- مهار تورم</li> <li>- اصلاح نظام پولی و مالی</li> <li>- تعامل با اقتصاد بین الملل</li> <li>- ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین</li> <li>- توسعه ارتباطات و فناوری، اجذب فناوری‌های برتر</li> <li>- توسعه مناطق آزاد و فعالیت‌های تولیدی و خدمات دریایی</li> <li>- توسعه صنعت و معدن و کشاورزی، حمایت از تولید و جذب سرمایه خارجی</li> </ul>	حوزه اقتصاد	اهداف کلان
<ul style="list-style-type: none"> <li>- تحکیم فکری و عملی ارزش‌های انقلاب اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی</li> <li>- جهت دهی رسانه‌ها</li> <li>- دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر</li> <li>- حفظ و شناساندن هویت تاریخی و بهره گیری از عناصر هویت ایرانی</li> <li>- ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت در مناسبات بین المللی</li> </ul>	حوزه فرهنگ	
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصلاح قوانین مربوط به صادرات</li> <li>- گسترش مشاغل تولیدی</li> <li>- تدوین برنامه توسعه بخش صنعت با هدف جهش صادراتی</li> </ul>	حوزه اقتصاد	سیاست‌ها

<ul style="list-style-type: none"> <li>- کنترل بازار کار از طریق ایجاد اشتغال</li> <li>- حمایت از جذب سرمایه‌های خارجی</li> <li>- استفاده از روش‌های نوین آبیاری و خودکفایی در تولید محصولات</li> <li>- استفاده از علوم و فناوری‌های نوین</li> </ul>		
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اعتلای معرفت دینی و درونی شدن و ارتقای ارزش‌های فرهنگ دینی و ملی و انقلاب اسلامی</li> <li>- ارتقای فرهنگ مشارکت عمومی با تاکید بر حقوق شهروندی</li> <li>- توسعه مبادلات فرهنگی با سایر کشورها</li> <li>- حمایت از ایرانیان خارج از کشور و تحکیم هویت ملی</li> <li>- فراهم کردن زمینه گسترش فرهنگ کار</li> <li>- تقویت فرهنگ مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه توسط صدا و سیما</li> </ul>	حوزه فرهنگ	

**گفتمان اصولگرا؛** در حوزه اقتصادی مبتنی بر رشد اقتصادی قطع وابستگی به درآمدهای نفت و گاز، مدیریت منابع آب و توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات بود. در گفتمان اصولگرا، توسعه اقتصادی با مدل‌های رشد اقتصادی ۸ درصدی، توسعه صادرات، افزایش بهره‌وری، رشد کشاورزی و گسترش بازارهای مالی معنا شد. دال توسعه اقتصادی این گفتمان در مدل‌هایی مانند ایجاد مسکن ارزان قیمت برای افراد بدون مسکن (مسکن مهر)، بهره‌مندی افراد کشور از سود حاصل از تولیدات داخلی (سهام عدالت) و تغییر الگوی پرداخت یارانه‌ها به سمت افراد نیازمند (طرح هدفمندی یارانه‌ها) متبلور شد. در حوزه فرهنگ نگره داشتن اندیشه دینی و سیاسی امام خمینی، مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات، تقویت قانون‌گرایی، وجدان‌کاری و پرهیز از اسراف تعیین گردید که مدل‌های تلاش برای اسلامی کردن دانشگاه، اصلاح متون درسی به ویژه در حوزه علوم انسانی براساس منابع دینی، تصفیه استادان غیر مذهبی، نظارت علمای دینی بر حوزه آموزش، تلاش برای جذب استادان مذهبی و تقویت نهادهایی همچون بسیج دانشجویی و نمایندگی ولایت فقیه به عنوان نهادهای رسمی گفتمان اصولگرا ظهور پیدا کرد و مدل‌هایی را شکل داد که دال توسعه فرهنگی در گفتمان اصولگرا حول این مدل‌ها معنا می‌یافت. دال مرکزی گفتمان اصولگرا را عدالت گستری و اسلامی سازی علم شکل می‌دهد.

جدول (۳): اهداف و سیاست‌های حوزه اقتصاد و فرهنگ گفتمان اصولگرا

<ul style="list-style-type: none"> <li>- گسترش عدالت همه جانبه و پاسداشت کرامت انسانی</li> <li>- رشد اقتصادی پایدار و عدالت محور</li> <li>- ارتقای بهره‌وری</li> <li>- اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴</li> <li>- توسعه روابط خارجی بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت</li> <li>- کاهش وابستگی اقتصاد به نفت</li> </ul>	حوزه اقتصاد	اهداف کلان
---	-------------	------------

<p>-تعمیق باورها و ارزش‌ها، ترویج شیوه زندگی اسلامی و فرهنگ ولایت و انتظار - تقویت هویت اسلامی- ایرانی - ایجاد جامعه‌ای خود باور با محوریت نهاد خانواده</p>	<p>حوزه فرهنگ</p>	
<p>-رشد مناسب اقتصادی با تاکید بر تحقق رشد مستمر و پرشتاب اقتصادی به میزان حداقل ۸ درصد نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی با توسعه سرمایه گذاری و جذب سرمایه خارجی، ارتقا سهم بهره وری، بهبود فضای کسب و کار با تاکید بر ثبات اقتصاد کلان - تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای آن و ایجاد صندوق توسعه ملی و قطع وابستگی هزینه‌های جاری دولت به درآمد نفتی - ارتقا کمی و کیفی بازارهای مالی و حمایت از شکل گیری بازارهای رقابتی - توسعه صادرات به ویژه در بخش خدمات با فناوری و تجارت، سرمایه گذاری و فناوری کشورهای جنوب غربی آسیا - جبران عقب ماندگی‌های حاصل از دوران گذشته با تاکید بر توسعه روستایی، گسترش کشاورزی صنعتی، صنایع روستایی و اصلاح نظام قیمت گذاری محصولات کشاورزی</p>	<p>حوزه اقتصاد</p>	<p>سیاست‌ها</p>
<p>- تقویت قانون گرایی، وجدان کاری، روحیه کار جمعی، ابتکار، خود باوری، قناعت و پرهیز از اسراف -مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات -استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام</p>	<p>حوزه فرهنگ</p>	

**گفتمان اعتدال‌گرا؛** گفتمان توسعه اصولگرا اهداف اقتصادی خود را بر پایه بهبود توزیع ثروت، رفع نابرابری و گسترش عدالت قرار داده بود دال توسعه اقتصادی در گفتمان عدالت محور با مدل‌های رشد اقتصادی، توسعه پیوندهای تجاری و تبدیل شدن به قطب تجاری، افزایش سهم موثر بازار سرمایه، تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای آن، افزایش سهم انرژی‌های تجدید پذیر و نوین، تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی، دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز، اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور، حمایت از کارآفرینی و اشتغال‌زایی بومی، دستیابی به ضریب جینی ۰/۳۴، توسعه حمل و نقل ریلی، رشد ارزش افزوده‌ی صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن تعریف شد در سیاست‌های فرهنگی، تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی و تقویت فرهنگ جهادی بیان شده است. **دال توسعه فرهنگی** نیز در این گفتمان با مدل‌های تلاش برای تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی، ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اجرای



نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور و تهیه‌ی پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم، حمایت از تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی، حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور مقابله با تهدیدات، توسعه و تجلی مفاهیم و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تعریف شد. با توجه به اینکه اهداف اقتصادی بیشتری در این گفتمان تعریف شده است.

جدول (۴): اهداف حوزه اقتصاد و فرهنگ گفتمان اعتدال‌گرا

<p>- رشد اقتصادی ۸ درصدی شتابان، پایدار و اشتغال‌زا</p> <p>- توسعه پیوند اقتصادی و تجاری متقابل با کشورهای جنوب غربی آسیا، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد قراردادهای پولی چند جانبه در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی</p> <p>- ارتقا کمی و کیفی نظام جامع بیمه</p> <p>- جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی</p> <p>- نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و موسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی بازارها، بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی بازارها</p> <p>- واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه‌ی میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم، افزایش ارزش‌افزوده با تکمیل ارزش صنعت نفت و گاز و دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی و افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌ها</p> <p>- اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه‌ی روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق عدم مهاجرت از روستا</p> <p>- توسعه‌ی اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران</p> <p>- برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۰/۳۴</p> <p>- اولویت بخش ریلی در توسعه‌ی حمل و نقل منطقه‌ای و جهانی به ویژه کریدور شمال - جنوب با هدف توسعه‌ی صادرات و ترانزیت بار</p> <p>- نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان</p>	<p>حوزه اقتصاد</p> <p>اهداف کلان</p>	
<p>- حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم اخلاق، فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی</p>	<p>حوزه فرهنگ</p>	

- حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور توسعه و ترویج فرهنگ

- توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی

- ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و الگوی مصرف

#### ۷- بحث و نتیجه گیری

چنان که گفته شد از منظر تحلیل گفتمان، دال توسعه در بستر گفتمان‌های مختلف مدلول‌های گوناگونی دارد و فهم و تحلیل توسعه مستلزم تأمل در هویت‌های گفتمانی است. بر این مبنا تحقیق پیش رو به دنبال تحلیل گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب با هدف درک نسبت فرهنگ و اقتصاد بوده است. برای روشن شدن نسبت فرهنگ و اقتصاد در این گفتمان‌ها، مفصل بندی و دال مرکزی و دال‌های شناور هر گفتمان درباره توسعه مورد بررسی قرار گرفت. در جمع بندی یافته‌ها می‌توان بیان داشت برای درک نسبت اقتصاد و فرهنگ در گفتمان‌های توسعه، گفتمان توسعه انقلاب فرهنگ را از این منظر در فرایند توسعه دخیل می‌داند که برنامه توسعه اقتصادی باید با توجه به فرهنگ جامعه تدوین شود که نشأت گرفته از رویکرد فرهنگ توسعه است و ویژگی‌های بومی جامعه را در پذیرش توسعه دخیل می‌داند. این رویکرد مشابه با «نقش سازنده» ای است که آمارتیا سن (۱۳۸۱) در شیوه‌های تأثیر فرهنگ در اقتصاد به معنای در بر گرفتن مفهوم گسترده فرهنگ در توسعه مطرح کرده است.

از سوی دیگر با تعیین هدف «رشد معنویت و ارتقای افراد جامعه به درجه انسانیت» برای توسعه، تحولاتی که در اثر تحقق توسعه در فرهنگ جامعه ایجاد می‌شود را نیز مدنظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، رویکرد توسعه فرهنگی نیز در این گفتمان حاکم است. به این ترتیب «نقش ابزاری» فرهنگ در نظریه آمارتیا سن (۱۳۸۱) نیز در گفتمان توسعه لحاظ شده که به نقش پارامترهای فرهنگی در رشد اقتصادی اشاره دارد. بر مبنای دیدگاه آمارتیا سن (۱۳۸۱)، گفتمان توسعه انقلاب که غفلت از فرهنگ را در نقد خود از گفتمان پهلوی برجسته کرد و فرهنگ را عنصر والا و حذف شده در آن گفتمان دانست، در مفصل بندی خود معنای توسعه فرهنگی را براساس دیدگاه مردم تعیین نکرد و بدون ارزیابی، فرهنگ دینی را به عنوان تنها شاخص فرهنگ جامعه برجسته کرد.

توسعه اقتصادی در این گفتمان با شاخص‌های مبتنی بر رشد اقتصادی مورد پذیرش قرار گرفت اما مشروعیت آن معطوف به تحقق توسعه فرهنگی و رشد معنویت بوده است. رویکرد کلی گفتمان سازندگی به گفتمان نوسازی مشابهت داشت که در گفتمان توسعه پهلوی نیز اساس برنامه ریزی توسعه‌ای بود. اساس برنامه‌ها در گفتمان سازندگی بر سیاست تعدیل اقتصادی استوار بود. عدم توجه به اصول مهمی از جمله توسعه فرهنگی در نتایج منفی این سیاست مؤثر بوده است. از این رو، سیاست توسعه بومی با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. گفتمان توسعه اصلاحات با توانست نظام معنایی به گفتمان هژمونیک در جامعه تبدیل شود. همچنان که هانتینگتون (۱۳۷۰) عنوان کرده، عدم همخوانی فرهنگ سیاسی - اجتماعی با الزامات توسعه اقتصادی، عامل فقدان اعتماد عمومی و در نتیجه عدم پذیرش چنین توسعه‌ای خواهد بود، پذیرش گسترده این گفتمان در جامعه دال بر جلب اعتماد عمومی جامعه بوده است. اقبال گفتمان اصلاحات که با تأکید بر توسعه فرهنگی، گسترش عناصر فرهنگ مدرن را لازمه دستیابی به توسعه قلمداد می‌کند نشانگر گرایش عموم افراد جامعه به فرهنگ مدرن بوده و تأییدی بر این مدعاست که معنای توسعه فرهنگی با دال رشد معنویت، مطابقتی با نگرش و دیدگاه افراد جامعه نداشته است.

گفتمان اصول گرا نیز با طرد کردن توسعه اقتصادی در گفتمان سازندگی و توسعه فرهنگی مدنظر گفتمان اصلاحات، در صدد مفصل بندی چارچوب خود با عناصر غیر غربی بود و گفتمان توسعه انقلاب را معیار مشخص خود اعلام کرد. این گفتمان از نظر نسبتی که گفتمان معیار بین فرهنگ و اقتصاد معیار توسعه فرهنگی را در اولویت قرار داد. همچنین توسعه فرهنگی را با دال اسلامی - ایدئولوژیک معنا کرد. با این وجود این گفتمان به دلیل محقق نکردن اهداف اقتصادی خود، عامل معضلات و نارضایتی‌های گسترده‌ای شد. همچنین اهداف فرهنگی آن پس از فضای دو قطبی ناشی از گفتمان اصلاحات و امکان دیگری که در ساختار سیاسی موجود ترسیم کرد، از سوی برخی از گروه‌های اجتماعی طرد شد درحالی که از جانب گروه‌های دیگری پذیرفته شد. گفتمان اعتدال گرا که بخشی از عناصر گفتمانی گفتمان‌های اصولگرا و اصلاحات را در خود داشت، برای کنترل فضای دو قطبی که در جامعه ایجاد شده بود و به منظور جلب رضایت گروه‌های مختلف، رویکردی اعتدالی و میانه رو در تمامی ابعاد در پیش گرفت. گفتمان عدالت محور توسعه را مبتنی بر رشد اقتصادی و ایجاد برابری در شرایط اقتصاد مقاومتی تعریف کرد که لازمه دستیابی به آن بهره‌گیری از ابزار فرهنگ بود. به این منظور توسعه فرهنگی را بر پایه و اساس اهداف اقتصادی خود، به عنوان گسترش فرهنگ اقتصاد مقاومتی با اصلاح الگوی مصرف و صرفه‌جویی تعریف کرد و همچنین از مهندسی فرهنگی نیز در جهت نظارت و کنترل فضای جامعه و پیشبرد اهداف خود بهره گرفت. در مقاله حاضر بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه نشان داده شد که چگونه گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، با مفصل بندی عناصر مختلف حول یک دال مرکزی شکل گرفتند. گفتمان‌های توسعه در رابطه تخصصی با یکدیگر به توسعه، هویتی متفاوت و اغلب متضاد داده اند. همچنین مشاهده شد گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب که همگی درصدد تحقق آرمان‌ها و اهداف گفتمان انقلاب بوده‌اند و معیار مشخصی داشته‌اند، با این حال نه تنها نسبت فرهنگ و اقتصاد در گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب مشابه نبوده، بلکه معنای توسعه نیز در این گفتمان‌ها مورد مناقشه بوده است.

## کتاب نامه

۱. ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا، غفاری (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: انتشارات کیهان.
۲. بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۴. تجلی، سید آیت الله (۱۳۸۱). «مروری بر برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب»، *نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، دوره ۱۶ شماره ۷ و ۸، صص ۱۹۸-۲۰۹.
۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). «جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ»، *فرهنگ توسعه*، شماره ۱۵، صص ۲۴-۳۳.
۶. جمشیدی‌ها، غلامرضا، یوسف‌وند، سامان و نظری‌نیا، مهناز (۱۳۹۴). «گفتمان انقلاب اسلامی در ادبیات توسعه؛ با تأکید بر اندیشه اجتماعی امام خمینی»، *دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۵، صص ۱۴۳-۱۶۶.
۷. دوس سانتوس، تی (۱۳۵۸). *توسعه و مساله وابستگی؛ الگوی نظری در اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران: دیدار.
۸. سازمان برنامه بودجه (۱۳۹۴). *اهداف برنامه ششم توسعه*.
۹. سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۱). *قدرت، گفتمان و زبان؛ ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی*، تهران: نشر نی.
۱۰. سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید مجمودی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. فلیک، اووه (۱۳۹۶). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

۱۲. کریمی مله، علی و بلباسی، میثم (۱۳۹۴). «لایه‌های هویت ملی ایرانی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۳۶۸-۱۳۹۴»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره هجدهم، بهار ۹۵، صص ۷-۵۷.
۱۳. کسرای، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه؛ ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز ۸۸، صص ۳۳۹-۳۶۰.
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۶۸-۱۳۷۲). لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۴). بررسی تطبیقی برنامه اول توسعه و برنامه تعدیل اقتصادی.
۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۴). نگاهی اجمالی به برنامه اول و دوم توسعه.
۱۷. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۴). ارزیابی برنامه اول و دوم توسعه با نگاهی به برنامه سوم.
۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۴). لایحه برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۴-۱۳۷۸.
۱۹. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۸). ۲۳. لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۷۸). سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۳). لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۲. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۹). مجموعه برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶). قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
۲۴. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳). آسیب شناسی برنامه های توسعه بعد از انقلاب اسلامی.
۲۵. محمدی، حمزه (۱۳۸۳). «فرهنگ و توسعه»، زریبار، سال هشتم، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۵۴، صص ۱۳-۲۷.
۲۶. مقدمی، محمد تقی (۱۳۹۰). «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، بهار ۹۰، سال دوم، شماره دوم، صص ۹۱-۱۲۴.
۲۷. موسایی، میثم (۱۳۷۳). «اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی»، نشریه تحقیقات اقتصادی، بهار ۱۳۷۳، شماره ۴۹، صص ۱-۴۲.
۲۸. میسرا، آرپی (۱۳۶۴). «مفهوم توسعه، مشخصه‌های جامعه عقب افتاده»، مجله جهاد ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تیر ۱۳۶۴، شماره ۷۶، صص ۱۲-۱۵.
۲۹. نگاهداری، بابک (۱۳۸۶). «توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان مسلمان»، زمانه، شماره ۵۸.

۳۰. نوذری، حمزه و کریمی، علیرضا (۱۳۹۱). «بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر تحلیل گفتمان»، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۱۹، صص ۵۷-۷۸.

31. Creswell, J.W (1998). *Qualitative inquiry and research design: choosing among five traditions*, sage publication Ltd.
32. Jaffee, David (1998). *Levels of socio- economic development theory*, Greenwood publishing group.
33. Laclau, E. and C. Mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Politics*, London: Verso.
34. Marana, Maider (2010). *Culture and Development: Evolution and Prospects*, Unesco Extea, Working paper N1.
35. Sant'Ana, Matthias (2008). "The Evolution of the Concept of Development: From Economic Growth to Human Development", *Working Paper, Inter-University Attraction Pole VI/06*, pp: 1- 35.